

Verses of Shahnameh in the Book of Khalq al-Insan by Bayan al-Haq Neyshabouri

Abolfazl Khatibi*

Abstract

The oldest version of *the Shahnameh* (The Epic of Kings) dates back to 614 AH, 214 years after the time of its completion at 400 AH. However, a variety of chapters and verses of *the Shahnameh* have been remained in some ancient historical and literary sources from this period. Among these is an Arabic book entitled *Khalq al-Insan* (The creation of Humans) by Bayan al-Haq Neyshabouri (died in 521 AH) which has quoted 54 instructive verses for the interpretation of a verse from the Holy Qur'an. The current study compares these verses to *the Shahnameh* edited by Jalal Khaleghi Motlagh and manuscripts used in his edition, some other copies as well as the book of *Ikhtiarat Shahnameh* (474 AH), and it discusses some records. Based on the research findings, Bayan al-Haq has derived the verses of *Shahnameh* from *Ikhtiarat Shahnameh*, not from the copy being studied.

Keywords: Shahnameh, Ferdowsi, Khalq al-Insan, Bayan al-Haq Neyshabouri, *Ikhtiarat Shahnameh*.

* Assistant Professor, Academy of Persian Language and Literature, Tehran, Iran, abkhatib39@gmail.com

Date received: 21-04-2020, Date of acceptance: 02-09-2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بیت‌های شاهنامه در کتاب خلق‌الانسان بیان‌الحق نیشابوری

ابوالفضل خطیبی*

چکیده

کهن‌ترین نسخه شاهنامه، مورخ ۶۱۴ق از تاریخ اتمام سرایش آن (۴۰۰ق) ۲۱۴ سال فاصله دارد، ولی در این دوران، قطعات و بیت‌هایی از شاهنامه در برخی منابع کهن تاریخی و ادبی باقی مانده است. یکی از این منابع کهن، کتاب عربی خلق‌الانسان از بیان‌الحق نیشابوری (درگذشت: ۵۲۱ق) در تفسیر آیه‌ای از قرآن است که ۵۴ بیت پندآمیز از شاهنامه را نقل کرده است. در این جستار، این بیت‌ها با شاهنامه تصحیح جلال خالقی مطلق و نسخه‌های مبنای تصحیح او و برخی نسخه‌های دیگر و نیز کتاب اختیارات شاهنامه (تألیف: ۴۷۴ق) سنجیده و درباره برخی ضبط‌ها بحث شده است. یکی از نتایج این پژوهش این است که بیان‌الحق بیت‌های شاهنامه را نه از متن این منظومه که از اختیارات شاهنامه برگرفته است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، فردوسی، خلق‌الانسان، بیان‌الحق نیشابوری، اختیارات شاهنامه

۱. مقدمه

شاهنامه، شاهکار بی‌مانند فردوسی پس از سرایش آن در قرن چهارم هجری آوازه بلند یافت و بر سخن‌سرایان بعدی چنان تأثیر شگرفی نهاد که این تأثیر تا امروز هم همچنان ادامه دارد. از همان قرن پنجم هجری، نویسندگان ایرانی در آثار مشهور خود، نوشته‌هایشان را جابه‌جا و به مناسبت‌های گوناگون با بیت‌های شاهنامه می‌آراستند. لغت فرس اسدی طوسی (تألیف: ۶۶۵-۷۵۰ق) کهن‌ترین کتابی است که برای شواهد لغات، بیت‌هایی از

* استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران، abkhatib39@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

شاهنامه را نقل کرده است و برخی آثار تاریخی و ادبی و حکمی و عرفانی ایرانیان به زبان فارسی پر است از بیت‌های شاهنامه که از آن جمله‌اند: خردنامه از ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی (تألیف: حدود قرن ششم)، چهارمقاله از نظامی عروضی سمرقندی (تألیف: ۵۵۰ق)، راحه‌الصدور راوندی (تألیف: ۵۹۹ق)، تاریخ طبرستان ابن اسفندیار (تألیف: ۶۰۶-۶۱۳ق)؛ فرائدالسلوک از شمس سجاسی (تألیف: ۶۰۹ق)، مرزبان‌نامه از وراوینی (تألیف: ۶۰۷-۶۲۲ق)، الاوامر العلائیه، از ابن بی‌بی (تألیف: ۶۸۰ق)، مجمل‌التواریخ والقصص (تألیف: ۵۲۰ق)، تاریخ جهانگشای جوینی (تألیف: ۶۵۰-۶۵۸) و جز آنها (برای این آثار و آثار دیگر، نک: خالقی مطلق ۱۳۹۰: ۲۴۵-۲۴۷). از آنجا که از حدود دو قرن پس از سرایش شاهنامه - یعنی از ۴۰۰ق، سال اتمام سرایش شاهنامه تا ۶۱۴ق، تاریخ کهن‌ترین نسخه آن، محفوظ در کتابخانه ملی فلورانس - نسخه‌ای از آن باقی نمانده است، بیت‌های منقول در متون کهن فارسی برای مصححان و پژوهندگان شاهنامه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نقل بیت‌های شاهنامه تنها به متون منثور فارسی محدود نمی‌شود، بلکه به تازگی کتابی قدیمی به عربی در تفسیر قرآن به نام خلق‌الانسان از بیان‌الحق نیشابوری (درگذشت: ۵۲۱ق) معرفی شده (۱) که در آن ۵۴ بیت شاهنامه نقل شده است. بیان‌الحق کتاب خود را پیش از ۵۲۱ق و حدود یک قرن پیش از کهن‌ترین نسخه شاهنامه (فلورانس ۶۱۴ق) تألیف کرده است. درست است که هر سه نسخه موجود این کتاب، پس از قرن یازدهم هجری کتابت شده (نک: حکیم ۱۳۹۸: ۳۹-۴۴)، ولی هرگونه پژوهش درباره بیت‌های منقول از شاهنامه در این کتاب و آثار مشابه، چه بسا پرتوهایی را بر زمینه تاریک دوران دویست‌ساله بعد از سرایش شاهنامه - که هیچ نسخه‌ای از آن دوران باقی نمانده است - بیفکند.

خلق‌الانسان تفسیر دارازدامن آیه وفی انفسکم افلا تبصرون (ذاریات، ۲۱) است که در صد مجلس تنظیم شده است: پنجاه مجلس اول آن درباره خلق انسان و پنجاه مجلس دوم درباره خلق او (حکیم ۱۳۹۸: ۲۰). این کتاب از این جهات اهمیت دارد: استفاده از منابع مختلفی که امروزه مفقودند، مانند ترجمه ابن مقفع از خدای‌نامه، اخبار ولای خراسان سلّامی و البحث عن التأویلات ابوزید احمد بن سهل بلخی؛ ذکر ۹۷ بیت فارسی در لابه‌لای متن که همه از سروده‌های قرون چهارم و پنجم و ششم و پیش از سال ۵۲۱ است و در میان آنها اشعاری از منطقی رازی و قاضی ساعد و احمد بن حسن میمنندی وزیر دیده می‌شود (همان: ۹).

در آخرین مجلس کتاب، پس از نقل پنج بیت عربی، ۵۴ بیت پندآمیز از جاهای مختلف شاهنامه، بدون ذکر نام فردوسی، یکجا نقل شده است (برای این بیت‌ها، نک: همان: ۵۸-۶۳؛ نسخه خطی کتاب: برگ ۳۵۰-۳۵۱پ، برای تصویر عکسی برگ‌ها، نک: همان: ۸۸-۸۹). پژوهنده فاضل این متن، همه بیت‌ها را با تصحیح استاد خالقی مطلق از شاهنامه و نیز بیت‌های مشابه در کتاب راحة‌الصدور راوندی - که نزدیک به ۶۰۰ بیت شاهنامه را در خود دارد - تطبیق داده و اختلاف ضبط‌ها را در پانوشت آورده است. در اینجا این پرسش را می‌توان مطرح کرد که بیان‌الحق بیت‌های شاهنامه را از روی چه نسخه‌ای از شاهنامه یا کدام منبع نقل کرده است؟ اگر از روی یکی از نسخه‌های شاهنامه نقل کرده باشد، قاعدتاً این نسخه باید به اواخر قرن پنجم هجری یعنی حدود یک قرن بعد از سرایش شاهنامه تعلق داشته باشد، ولی بنا به پژوهش ما، بیان‌الحق این بیت‌ها را نه از روی نسخه‌ای از شاهنامه، که از روی گزیده‌ای از شاهنامه که در قرن پنجم هجری تألیف شده، نقل کرده است. به گزارش لب‌الباب (عوفی ۱۳۳۵: ۲/۳۳) «هرکس که اختیارات شاهنامه که خواجه مسعود سعد رحمه‌الله جمع کرده است، مطالعه کند، داند که قدرت فردوسی تا چه حد بوده است». بنا بر این در فاصله تولد (بین ۴۳۸ و ۴۴۰ق) تا مرگ مسعود سعد سلمان (۵۱۵ق) و احتمالاً در قرن پنجم هجری، این شاعر نامدار برگزیده‌ای از ابیات شاهنامه را با عنوان «اختیارات شاهنامه» یا عنوان دیگری مدون کرده بوده است. در همین قرن برگزیده دیگری از شاهنامه به همت شخصی به نام علی بن احمد با عنوان اختیارات شاهنامه (۲) مدون و در ۴۷۴ق به ملک‌شاه سلجوقی تقدیم شده است (برای بررسی این کتاب، نک: جیحونی ۱۳۷۹: ۷-۲۱). در زیر، بیت‌های منقول در خلق‌الانسان با بیت‌های مشابه در اختیارات شاهنامه مقابله شده و ارجاعات و اختلافات در پانوشت به دست داده شده است (درون کمانک، ضبط‌ها و ارجاعات مربوط است به تصحیح خالقی مطلق ۱۳۸۶):

- الا ای خریدار مغز سخن / دلت برگسل زین سرای کهن^۱
- که او^۲ (کجا) چون من و چون تو بسیار دید / نخواهد همی با کسی آرمید (۲۲۹/۶)
- اگر شهریاری و گر پیشکار^۳ / تو ناپایداری و او پایدار

۱. اختیارات ۱۷۲۴.

۲. اختیارات ۱۷۲۵ ضبط متن را دارد.

۳. اختیارات ۱۷۲۶: پیشه‌کار.

- چه با رنج باشی چه با تاج و تخت / بیایدت بستن به فرجام رخت^۴ (۲۳۰-۲۲۹/۶)
- ۵. انوشه کسی کو بزرگی ندید/ نبایستش از تخت شد ناپدید^۵ (۲۳۷/۶)
- سرای سپنجست پُر آی و رو/ تو گردی کهن دیگر آرند نو^۶
- یکی اندر آید یکی بگذرد (بگذرد)/ زمانی به منزل چمد یا چرد^۷ (۲۹۵/۸)
- یکی را همی تاج شاهی دهد/ یکی را به دریا به ماهی دهد (۶۲۸/۷)
- بخور هر چه یابی به فردا می‌پای/ که فردا مگر دیگر آیدش رای (۴۰۵/۸)
- ۱۰. بخور هر چه داری، فزونی بده/ تو رنجیده‌ای، بهر دشمن منه (۴۰۵/۸)
- زمانه ز ما نیست^۸ چون بنگری/ بدین مایه با او مکن^۹ (ندارد کسی آلت) داوری (۴۰۹/۸)
- دلت را به تیمار چندین میند/ تو ایمن مشو بر سپهر بلند (همانجا)
- تو بی جان شوی او بماند دراز/ حدیثی درازست^{۱۰} (درازست گفتار) چندین مساز (۴۱۰/۸)

^۴. اختیارات ۱۷۲۷.

^۵. اختیارات ۲۱۷۲.

^۶. اختیارات ۱۹۵۰: آید ز نو؛ در جای دیگر (۲۰۱۱) این بیت چنین ضبط شده است: چو گیتی سپنج است پر راهرو / کهن شد یکی دیگر آرند نو.

^۷. اختیارات ۱۹۵۱.

^۸. اختیارات ۱۹۶۳: زمانی است.

^۹. متن = قاهره ۷۹۶ (ق^۲)، آکسفورد ۸۵۲ (آ)، سن ژوزف (با نشان اختصاری «ژ»): فردوسی ۱۳۸۹: ۱۳/۹۷۵؛ متن خالقی مطلق داخل کمانک برابر است با ۱۳ دستنویس دیگر بعلاوه سعدلو، حدود قرن ۷ یا ۸ ق (فردوسی ۱۳۷۹: ۲۳/۱۰۱۱) و حاشیهٔ ظفرنامه، اوایل قرن ۸ (فردوسی ۱۳۷۷: ۸/۱۵۴۳/۲).

^{۱۰}. از ۱۵ نسخهٔ مبنای تصحیح خالقی مطلق، ۱۴ نسخه و نیز نسخه‌های سن ژوزف (فردوسی ۱۳۸۹: ۱۵/۹۷۵)، سعدلو (فردوسی ۱۳۷۹: ۱/۱۰۱۲)، حاشیهٔ ظفرنامه (فردوسی ۱۳۷۷: ۱۲/۱۵۴۲) و اختیارات (۱۹۸۷) ضبط « حدیثی (حدیث) درازست» را دارند و تنها در نسخهٔ لندن ۶۷۵ (ل)، ضبط مختار خالقی مطلق (درازست گفتار) آمده است.

- چنین بود تا بود و آن تازه نیست / گراف زمانه بر اندازه نیست^{۱۱} (۲۸۳/۸)
- ۱۵. جهانامپروور چو خواهی دُرود / وگر بدروی پروریدن چه سود (۳۷/۱)
- جهاندار پیش از تو بسیار بود / که تخت مهی را سزاوار بود^{۱۲}
- فراوان غم و شادمانی شمرد / برفت و جهان دیگری را سپرد^{۱۳}
- اگر پاره (بارۀ) آهیننی بجای / سپهرت بساید نمانی پپای^{۱۴} (۶/۱)
- جهانام که^{۱۵} (چه) بدمهر و بدگوهری / که خود پرورانی و خود بستری^{۱۶} (بشکری):
- (۸۵/۱)

- ۲۰. جهان چون شما دید و بیند بسی / نخواهد شدن رام با هر کسی^{۱۷} (۱۱۴/۱)
- چو پژمرده شد روی رنگین تو / نگرده کسی گرد بالین تو (۱۱۵/۱)
- بزرگی که فرجام زو تیرگیست / بر آن برتری بر بیاید گریست (۱۲۰/۱)
- هزبر جهانسوز و تر (نر) ازدها / ز دام قضا [هم] نیابد رها (۱۲۹/۱)
- اگر توشه‌مان نیکنامی بود / روان‌ها بدان سر^{۱۸} گرامی بود
- ۲۵. وگر آرزویم پیچان شویم / پدید آنگه آید^{۱۹} (آید آنگه) که بیجان شویم
- (۲۵۲/۱)

- گر ایوان ما سر به کیوان برست / ازین بهره ما یکی چادرست (همانجا)
- بیابان و آن مرد با تیز داس / گیا^{۲۰} (کجا) خشک و تر زو دل اندر هراس

^{۱۱}. اختیارات ۱۹۶۸: چنین بود تا بود این تازه نیست / که کار زمانه به اندازه نیست.

^{۱۲}. اختیارات ۲۳۲۵.

^{۱۳}. اختیارات ۲۳۲۶.

^{۱۴}. اختیارات ۲۳۲۷: پای - جای

^{۱۵}. اختیارات ۱۷۳۳: چه.

^{۱۶}. اختیارات: بشکری.

^{۱۷}. اختیارات ۱۷۷۶.

^{۱۸}. اختیارات ۷۷۶: روان‌مان ازان بس.

^{۱۹}. اختیارات ۷۷۷: آمد.

- تر و خشک یکسان همی بدرود/ وگر لابه سازی همی^{۲۱} (سخن) نشنود
- جهان را چنینست ساز و نهاد/ که^{۲۲} جز مرگ را کس ز مادر نژاد^{۲۳}
- ۳۰. ازین در بیاید^{۲۴} (درآید) بدان بگذرد (بگذرد)/ زمانه برو دم همی بشمرد
(۲۵۳-۲۵۲/۱)
- بکوشیم^{۲۵} (بپرورد) وز مرگمان چاره نیست/ زمین را جز از خاک^{۲۶} (گور) گهواره
نیست (۲۹۹/۱)
- اگر با تو گردون نشیند به راز/ هم از گردش او نیایی جواز^{۲۷}
- هم او تاج و تخت بلندی دهد/ هم او تیرگی و نژندی دهد^{۲۸}
- به دشمن همی ماند و هم به^{۲۹} دوست/ گهی مغز یابی ازو گاه پوست (۳۰۶/۱-۳۰۷)
- ۳۵. چنین است کردار چرخ^{۳۰} بلند/ به دستی کلاه و به دیگر کمند^{۳۱} (۱۹۴/۲)
- چو شادان نشیند کسی با کلاه/ به خم کمندش رباید ز گاه^{۳۲} (۱۹۵/۲)

^{۲۰}. متن = س، لی؛ ژ (۱۱/۶۸)؛ ۱۳ نسخهٔ دیگر و اختیارات ۲۳۲۸ ضبط مختار خالقی مطلق (داخل کمانک) را دارند.

^{۲۱}. متن = ل، ب؛ ۱۳ نسخهٔ دیگر بعلاوهٔ نسخهٔ ژ (۱۲/۶۸) ضبط مختار خالقی مطلق را دارند.

^{۲۲}. متن: کر.

^{۲۳}. اختیارات ۲۳۹۳: که جز مرگ را کس ز مادر نژاد / نه کسرای آغاز و نه نوش زاد

^{۲۴}. اختیارات ۲۳۳۲: درآید

^{۲۵}. در هیچ‌یک از نسخه‌های خالقی مطلق ضبط «بکوشیم» دیده نمی‌شود؛ اختیارات ۲۳۴۹: ازین روز.

^{۲۶}. در هیچ‌یک از نسخه‌های خالقی مطلق ضبط «خاک» نیست؛ اختیارات هم ضبط «گور» را دارد.

^{۲۷}. اختیارات ۱۷۴۸.

^{۲۸}. اختیارات ۷۴۹.

^{۲۹}. اختیارات ۱۷۵۰: نه دشمن همی ماند خواهد نه

^{۳۰}. متن: «چرخ» که «ی» نشانهٔ کسرهٔ اضافه است.

^{۳۱}. اختیارات ۱۷۶۱.

- چو دانی که اندر^{۳۳} (ایدر) نمانی دراز/ به تارک چرا برنهی تاج آز (۴۱۹/۲)
- جهان را چنین است ساز و نهاد/ به یک دست بستد، به دیگر بداد^{۳۴} (۴۶۹/۲)
- غم و کام دل بی‌گمان بگذرد (بگذرد)/ زمانه دم ما همی‌بشمرد^{۳۵} (۲۴۱/۳)
- ۴۰. به یک دم زدن رستی از جان و تن/ همی^{۳۶} بس بزرگ آیدت خویشتن (۲۸۸/۳)
- برین گونه گردد همی چرخ پیر/ گهی چون کمانست و گاهی چو تیر (۳۰۰/۳)
- به^{۳۷} یک روی جستن بلندی سزاست/ اگر^{۳۸} در میان دم ازدهاست
- و دیگر که گیتی ندارد درنگ/ سرای سپنجی چه پهن و چه تنگ^{۳۹} (۳/۴)
- یکی ژرف^{۴۰} دریاست بن ناپدید/ در گنج رازش ندارد کلید (۴/۴)
- ۴۵. جهان را نمایش چو کردار نیست/ بدو دل سپردن سزاوار نیست^{۴۱} (۵۳/۴)
- برفتند و جز نام ازیشان^{۴۲} (جز از نام ازیشان به گیتی) نماند/ کسی نامه رفتگان
برنخواند (۳۴۹/۴)
- زمین گر برهنه^{۴۳} (گشاده) کند راز خویش/ پدید آرد انجام و آغاز^{۴۴} (بپیماید اندازه
کاز) خویش (۱۵۱/۷)

^{۳۲}. متن: رباید چو ز کساه (تصحیف رباید چو کاه؟)؛ اختیارات ۱۷۶۲: رباید چو کاه.

^{۳۳}. اختیارات ۲۴۱۲: تو دانی که ایدر.

^{۳۴}. اختیارات ۲۳۳۱.

^{۳۵}. اختیارات ۲۰۷۰.

^{۳۶}. اختیارات ۲۰۷۴: چرا.

^{۳۷}. اختیارات ۲۰۷۷: ز.

^{۳۸}. اختیارات: وگر.

^{۳۹}. اختیارات ۲۰۷۸.

^{۴۰}. اختیارات ۲۰۸۲: سبز.

^{۴۱}. اختیارات ۱۸۳۲.

^{۴۲}. ضبط متن در هیچیک از نسخه‌های خالقی مطلق نیست؛ اختیارات ۲۱۰۲: جز از نام ازیشان
به گیتی..

- کنارش پر از تاجداران بود/ برش^{۴۵} پر ز خون سواران بود (۱۵۱/۷)
- یکی را ز خاک سیه برکشد/ یکی را ز تخت کیان در کشد^{۴۶} (۳۷۱/۴)
- ۵۰. نهالی همه خاک دارند و خشت/ خنک آن که جز تخم نیکی نکشت^{۴۷} (۲۲۵/۶)
- چو برداشتم جام پنجاه و هشت/ نگیرم مگر^{۴۸} یاد تابوت و دشت
- نگردهم همی گرد نسرين تدرؤ/ گل پارسی^{۴۹} (نارون) خواهد و شاخ سرو (۳۷۸/۲) - (۳۸۰)

- الا ای دلآرای^{۵۰} چرخ بلند/ چه داری به پیری مرا مُستمند

- چو بودم جوان^{۵۱} بر برم داشتی/ به پیری چرا خوار بگذاشتی (بگذاشتی: ۱۳۳/۶)

مقایسهٔ بیت‌های منقول از شاهنامه در خلق‌الانسان با بیت‌های منقول در *راحة‌الصدور* راوندی نشان می‌دهد که نیمی از ۵۴ بیت منقول در خلق‌الانسان، با اختلاف‌های اندکی در *راحة‌الصدور* آمده است (حکیم ۱۳۹۸: ۵۸، پانوش ۱۰۷). از سوی دیگر، بنا بر پژوهش ما، از ۵۴ بیت، ۴۵ بیت با اختلاف‌هایی در اختیارات شاهنامهٔ علی بن احمد دیده می‌شود. بنابراین بیان‌الحق نیشابوری این بیت‌ها را نه از شاهنامه که از همین اختیارات شاهنامه یا گزیدهٔ دیگری از همان زمان (نیمهٔ دوم قرن پنجم هجری) برگزیده است. در حالی که در

^{۴۳} ضبط متن در هیچیک از نسخه‌های خالقی مطلق نیست؛ اختیارات ۲۳۹۴، ضبط «گشاده» را

دارد

^{۴۴} عین متن فقط در نسخهٔ واتیکان ۸۴۸ (و) آمده است، ولی اکثریت نسخه‌ها ضبط «انجام و آغاز» را دارند؛ ضبط مختار خالقی مطلق فقط در پاریس ۸۴۴ (پ) آمده است؛ اختیارات ۲۳۹۴: بپیماید آن چادر ناز.

^{۴۵} متن: پرش

^{۴۶} اختیارات ۱۸۶۱.

^{۴۷} اختیارات ۲۱۴۱.

^{۴۸} اختیارات ۲۲۷۹: بجز

^{۴۹} ضبط متن فقط در ل^۲ آمده است؛ بقیه نسخه‌ها و اختیارات ۲۲۵۹، ضبط «نارون» را دارند.

^{۵۰} اختیارات ۲۲۴۸: برآورده.

^{۵۱} اختیارات ۲۲۴۹: جوان بودم و

بیت‌های شاهنامه در کتاب خلق‌الانسان بیان الحق نیشابوری (ابوالفضل خطیبی) ۱۶۳

بیشتر موارد، در هر بیت یا مصراع شاهنامه، چندین اختلاف اساسی در نسخه‌ها دیده می‌شود، از بین ۵۴ بیت در خلق‌الانسان، تنها در ۹ بیت ضبط‌های متفاوتی - آن هم در هر بیت (بجز بیت ۳۱) تنها یک اختلاف ضبط - با تصحیح خالقی مطلق به چشم می‌خورد (نک: بیت‌های ۲، ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۴۷، ۵۲). برخی اختلاف‌های دیگر یا خطای آشکار کاتب است یا اساساً اهمیتی ندارند (مثلاً نک: بیت‌های ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۳۰، ۳۷، ۴۶).

در بیت‌های ۲، ۱۱، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۴۷ بر اساس آرایش نسخه‌ها و قواعد تصحیح متن، ضبط مختار خالقی مطلق برتری دارد. در مصراع دوم بیت ۱۳، ضبط خلق‌الانسان (حدیثی درازست) که ۱۴ نسخه مبنای تصحیح خالقی مطلق و نسخه‌های سن‌ژوزف و سعدلو و حاشیه ظفرنامه و اختیارات هم آن را همراهی می‌کنند، قطعاً اصلی است و ضبط یگانه لندن ۶۷۵ که در متن خالقی مطلق جای گرفته، دستبرد کاتب است. در این بیت نباید به سبب کاربرد واژه عربی «حدیث»، آن را به حاشیه برد، زیرا فردوسی در چندین بیت دیگر این واژه عربی را به کار برده است، از آن جمله:

سیاوش ز گفتار او شاد گشت / حدیث فرستادگان باد گشت (فردوسی ۱۳۸۶: ۲/۲۶۱)

به خسرو رسد ز آن حدیث آگهی / که با او چه سازد به بختش رهی (همان: ۴/۶۱)

تو بندیش هُشیار و بگشای گوش / حدیث از خردمندمردم نیوش (همان: ۴/۸۲)

حدیث پراگنده پیراگند / چو پیوسته شد جان و مغز آگند (همان: ۷/۳۷۲)

در مصراع یکم بیت ۴۷، ضبط «برهنه» (به جای گشاده) در خلق‌الانسان در هیچ یک از نسخه‌ها نیست که اهمیت چندانی هم ندارد، اما در مصراع دوم بیت ۵۲:
نگردد همی گردِ نسرین تذرو / گل پارسی (تصحیح خالقی: گل نارون) خواهد و شاخ
سرو،

خلق‌الانسان ضبط جالبی دارد: «گل پارسی» به جای «گل نارون» که از میان نسخه‌های مبنای تصحیح خالقی مطلق فقط نسخه لندن ۸۹۱ (ل^۲) - که نسخه مهمی است - آن را همراهی می‌کند. خالقی مطلق (۱۳۸۹: ۱/۷۱۴-۷۱۵) در شرح این بیت که شاعر آن را در وصف پیری خود سروده است، می‌نویسد:

نسرین نوعی «نرگس زرد» و کنایه از «رخسار زرد و پژمرده» است، بر عکس نسترن (پهلوی: nastaran) که «گل سرخ» است و کنایه از «رخسار سرخ و شاداب (دلدار). تذرو به معنی «قرقاول» در اینجا کنایه از «شادمانی و کامرانی» است. [دوم] شاید گل و درست

باشد که در این صورت گل به معنی «گل سرخ» است. نارون می‌تواند به دو معنی باشد. «یکی درختی با شاخه‌های انبوه و چتری» و دیگر به معنی «درخت انار» (مركب از نار به معنی «انار» (پهلوی anār) و ون (پهلوی wan) به معنی «درخت»). اگر به معنی نخستین بگیریم، به سرو بهتر می‌خورد و در این صورت بهتر است گل و بخوانیم. ولی اگر به معنی دوم بگیریم، گل نارون همان «گل انار، گلنار» می‌گردد و مناسب‌تر می‌نماید (← بیت ۲۱). شاخ سرو کنایه از «اندام برافراشته روز جوانی» است: تذرو شادی و کامرانی از نسرین رخ پیر من گریزان است و گلنار رخسار و سرو اندام جوانی می‌جوید.

تفسیر استاد خالقی از این بیت جالب و همراه با نکته‌سنجی است. اما نگارنده شاهدهی برای هم‌نشینی تذرو با گل درخت انار نیافتم، ولی همن‌نشینی تذرو با گل (= گل سرخ) در بیت‌هایی از خود شاهنامه (فردوسی ۱۳۸۶: ۹۳/۱؛ برای موارد دیگر، نک: ۱۷۱/۷؛ ۲۸۵/۸) آمده است:

خرامان بیامد به‌نزدیک سرو / ز شادی چو پیش گل اندر تذرو

خوانش معمول مصراع چنین است: «گل نارون خواهد و شاخ سرو»، ولی «گل نارون» ویژگی خاصی ندارد که شاعر آن را از نظر خوشبویی، رنگ و زیبایی در تقابل با گل نسرین قرار دهد. با این همه، در بیتی از شاهنامه که در چاپ اول خالقی (همان: ۴۶۷/۶) مشکوک تشخیص داده شده است و در چاپ دوم (فردوسی ۱۳۹۳: ۵۰۹/۲) الحاقی، گویا سرخی می‌را به سرخی گل نارون بدین سان مانند شده است (همان: ۴۶۷/۶):

همه جویباران پُر از مُشک‌دُم / به‌سان گُل نارون می‌به خُم

همچنین در بیت‌هایی از بهمن‌نامه که گویا به تأثیر از همین بیت شاهنامه سروده شده‌اند، چهره معشوق به سرخی گل نارون مانند شده است (ایران‌شاه ۱۳۷۰: ۵۰۸؛ برای موارد دیگر، نک: ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۴۴):

گشاده رخی چون گل نارون / ز خوی بر تَش تَر شده پیره

به نظر می‌رسد، در اینجا فردوسی گلی درختی مثل گل انار یا گل نارون را در تقابل با گل نسرین در نظر نداشته است. از سوی دیگر، تذرو پرنده‌ای است که راه می‌رود و کمتر پرواز می‌کند، آن هم در ارتفاع بسیار کم و در سراسر ادبیات فارسی به خرامان رفتن نامبردار است و شاعران، راه رفتن همراه با ناز و کرشمه محبوب را به راه رفتن تذرو تشبیه کرده‌اند. پس، در مصراع دوم، شاعر قاعدتاً باید در تقابل با نسرین، از گلی سخن گفته باشد که تذرو در پیرامون آن خرامان راه برود. با این توضیحات ضبط گل پارسی (فارسی) در ل^۲

و خلق‌الانسان به جای «گلِ نارون» یا «گل و نارون» هم جالب توجه است. گل پارسی، گل معروفی است به رنگ سرخ، منسوب به ایالت پارس (فارس) که امروزه با گل محمدی و گل صدبرگ (صدپر) تطبیق می‌کند. رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۶۸: ۶۶) به خوشبویی گل پارسی اشاره دارد و جالب اینکه، مانند بیت مورد بحث، آن را در تقابل با گل نسرین که بوی کمتری دارد، قرار می‌دهد: «هرچند نسرین خوش بوی می‌باشد، لیکن گلاب آن چندان نیکو نیاید که از گل پارسی» (برای خوشبوتر بودن گل پارسی، نیز نک: ابوریحان بیرونی ۱۳۵۸: ۷۰۹/۲). رشیدالدین فضل‌الله درباره رنگ این گل نیز به جزئیات بیشتری اشاره دارد: «گل انواع است. سرخ و تمام سرخ باشد و سرخی که به سفیدی گراید و آن آن است که آن را گلگون گویند و در عراق آن را گل فارسی گویند» (همان: ۶۳).

بنابراین، خوانش مصراع دوم به دو صورت محدود می‌شود: گل و نارون (گل پارسی) خواهد و شاخ سرو؛ به لحاظ آرایش نسخه‌ها و قواعد تصحیح متن، ضبط «گل (= گل سرخ) و نارون» - که مطابق است با نسخه اساس و اکثریت نسخه‌ها - درست است، ولی احتمال درستی «گل پارسی» هم نباید نادیده انگاشته شود. نکته دیگر اینکه، در لغت‌نامه (دهخدا ۱۳۷۷، به نقل از فرهنگ رشیدی)، ذیل «تذرو» چنین آمده است: «مرغ معروف خوش‌رفتار که اکثر در پای سرو گردد، از این جهت عاشق سرو گویند». بر این اساس در مصراع دوم بیت مورد بحث، بهتر است «شاخ سرو» را مجاز (جزء به کل) از خود درخت سرو بگیریم و بیت را چنین معنی کنیم: تذرو کامیابی، گرد نسرین نمی‌گردد، بلکه به دنبال گل پارسی و درخت سرو است تا گرد آن بگردد. معنی کنایی آن همان است که استاد خالقی مطلق نوشته‌اند.

تا کنون دو شاهد شعری زیر از کاربرد «گل پارسی» داشتیم:

زن پارسا چون گل پارسی / برون اوفتاده ز پرده‌سرا (کمال‌الدین اصفهانی ۱۳۴۸: ۲۵۵)
از گل پارسی ام غنچه عیشی نشکفت / حبذا دجله بغداد و می ریحانی (حافظ ۱۳۶۲: ۹۴۲/۱)

اگر ضبط «گل پارسی» در بیت فردوسی اصلی باشد، این بیت، کهن‌ترین کاربرد از این گل است.

حاصل سخن اینکه:

۱. خلق‌الانسان کهن‌ترین و یگانه متن عربی است که بیش از ۵۰ بیت شاهنامه در آن نقل شده است.

۲. بیان‌الحق نیشابوری بیت‌های شاهنامه را از روی اختیارات شاهنامه یا گزیده دیگری از قرن پنجم هجری نقل کرده است نه از خود شاهنامه. چنانکه از اختیارات شاهنامه پیداست، در این گزیده - یا گزیده‌های دیگر- برخی بیت‌های شاهنامه ذیل موضوعات مشخصی مثل مدح پادشاهان، وصف بزم و بهار، تشبیه روز و شب، امثال و حکمت، وصف جنگ، نکوهش جهان، پند و موعظه، وصف پیری و مرگ و جز آنها مدون بوده است. بنابراین، برای نویسندگان و مورخان، مراجعه به این نوع گزیده‌ها به منظور یافتن بیت‌های مورد نظرشان بسیار آسان‌تر از متن مفصل شاهنامه بوده است.

۳. مقایسه میان ۵۴ بیت منقول از شاهنامه در خلق‌الانسان با تصحیح خالقی مطلق نشان می‌دهد که اختلاف‌های اساسی این دو فقط در ۹ بیت (۱۰ مورد) است و از این ۹ بیت، در ۷ بیت، تصحیح خالقی مطلق بر اساس نسخه‌های در دسترس او درست‌تر است. در یک مورد ضبط خلق‌الانسان که اکثریت نسخه‌های مبنای تصحیح خالقی مطلق نیز آن را همراهی می‌کنند، برتری دارد و در یک مورد دیگر، درستی هر دو ضبط خلق‌الانسان و تصحیح خالقی مطلق محتمل است. خالقی مطلق (۱۳۹۳: یک‌صد و بیست و یک) در باره پیرایش دوم خود می‌نویسد: «نگارنده اعتبار پیرایش کنونی را با متنی از این کتاب از آغاز سده ششم هجری، یعنی صد سالی پیش از دستنویس فلورانس و صد سالی پس از پایان سرایش شاهنامه برابر می‌داند»، ولی با توجه به اختلاف‌های اندک میان بیت‌های منقول در خلق‌الانسان - که از جاهای مختلف شاهنامه گزینش شده‌اند- با بیت‌های مشابه در تصحیح خالقی مطلق، می‌توان این تاریخ را عقب‌تر برد و معتقد شد که اعتبار تصحیح خالقی مطلق با نسخه‌ای از شاهنامه مربوط به نیمه دوم قرن پنجم هجری، یعنی نسخه اساس اختیارات یا برگزیده دیگری از شاهنامه، کمابیش برابری می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دوست نازنینم، پژوهنده نسخه‌های خطی آقای سیدمحمدحسین حکیم درباره خلق‌الانسان و نویسنده آن پژوهش ارزنده و شایسته و بایسته‌ای به انجام رسانده‌اند و مبنای این جستار همین پژوهش عالمانه است (حکیم ۱۳۹۸).

۲. در مورد عنوان کتاب مسعود سعد، دقیقاً نمی‌دانیم که به واقع «اختیارات شاهنامه» بوده، ولی علی بن احمد عنوان کتاب خود، یعنی «اختیارات» را در بیت زیر آورده است (علی بن احمد ۱۳۷۹: ۱۴/۲۳):

بیت‌های شاهنامه در کتاب خلق‌الانسان بیان‌الحق نیشابوری (ابوالفضل خطیبی) ۱۶۷

ازان (شاهنامه) اختیاری بکردم چنان / که خواننده را شاد دارد روان
البته از این بیت هم پیدا نیست که عنوان کتاب این گردآورنده نیز به‌واقع اختیارات شاهنامه
بوده، بلکه ممکن است مراد او معنی لغوی «اختیارات (انتخاب‌ها) باشد».

کتاب‌نامه

ابوریحان بیرونی ۱۳۵۸، صیدنه، ترجمه کهن فارسی از: ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی، به‌کوشش
منوچهر ستوده و ایرج افشار، شرکت افست، تهران.
ایران‌شاه (ایران‌شان) بن ابی‌الخیر ۱۳۷۰، بهمن‌نامه، به کوشش رحیم عقیفی، انتشارات علمی و فرهنگی،
تهران.

جیحونی، مصطفی ۱۳۷۹، مقدمه اختیارات شاهنامه (نک: علی بن احمد).
حکیم، سیدمحمدحسین ۱۳۹۸، «ابیات فارسی در مجالس تفسیر قرآن در آغاز قرن ششم هجری در
نیشابور، پژوهشی در کتاب خلق‌الانسان، تألیف بیان‌الحق نیشابوری (درگذشت: ۵۲۱ق)»، گزارش
میراث، دوره سوم، ضمیمه شماره ۷۸-۷۹ (پیاپی ضمیمه: ۱۱)، بهار-تابستان ۱۳۹۶ (انتشار: بهار
۱۳۹۸).

حافظ، شمس‌الدین محمد ۱۳۶۲، دیوان، به کوشش پرویز ناتل خانلری، خوارزمی، تهران.
خالقی مطلق، جلال، ۱۳۸۹، یادداشت‌های شاهنامه (جلد یکم، با احتساب ۸ جلد متن شاهنامه= جلد
نهم)، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران.

خالقی مطلق ۱۳۹۰، شاهنامه از دستنویس تا متن، انتشارات میراث مکتوب، تهران.
خالقی مطلق ۱۳۹۳، پیشگفتار شاهنامه فردوسی (۲جلد)، سخن، تهران.

دهخدا، علی‌اکبر ۱۳۷۷، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۳۶۸، آثار و احیاء: متن فارسی درباره فن کشاورزی، به کوشش منوچهر
ستوده و ایرج افشار، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل با همکاری دانشگاه تهران، تهران.
علی بن احمد ۱۳۷۹، اختیارات شاهنامه (متنی گزیده از قرن پنجم)، به کوشش مصطفی جیحونی و
محمد فشارکی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

عوفی، محمد، ۱۳۳۵ش، لب‌الالباب، از روی چاپ ادوارد براون و محمد قزوینی، به کوشش سعید
نفیسی، تهران، کتابخانه ابن‌سینا - کتابخانه حاج علی علمی.

فردوسی، ابولقاسم ۱۳۷۷، شاهنامه، حاشیه ظفرنامه حمدالله مستوفی، چاپ عکسی از روی نسخه مورخ
۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا، زیر نظر نصرالله پورجوادی و نصرت‌الله رستگار، مرکز نشر
دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۷، وین، ۱۹۹۹.

۱۶۸ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال یازدهم، شمارهٔ دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

فردوسی، ابوالقاسم ۱۳۷۹، شاهنامهٔ فردوسی همراه با خمسهٔ نظامی، با مقدمهٔ فتح‌الله مجتبائی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران.

فردوسی، ابوالقاسم ۱۳۸۶، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، ۸ جلد (ج ۶ با همکاری محمود امیدسالار و ج ۷ با همکاری ابوالفضل خطیبی)، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران (۸ جلد متن و سه جلد یادداشت‌های شاهنامه).

فردوسی، ابوالقاسم ۱۳۸۹، شاهنامه، نسخه برگردان از روی نسخهٔ کتابت اواخر سدهٔ هفتم و اوایل سدهٔ هشتم هجری قمری (کتابخانهٔ شرقی، وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، شمارهٔ NC 43)، به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، با مقدمهٔ جلال خالقی مطلق، انتشارات طلایه، تهران.

کمال‌الدین اصفهانی، اسماعیل ۱۳۴۸، دیوان، به کوشش حسین بحرالعلومی، کتابفروشی دهخدا، تهران.